

ملک درسته

تقویم شمس ببرانی نهال تجدد

www.ketab.ir
info@ketab.ir
support@ketab.ir

کتابخانه اینترنتی کتاب

سروشناسه: تجدد، نهال، ۱۳۳۸

Tajadod, Nahal

عنوان و نام پندیدآور: ملک گرسنه / نهال تجدد

مشخصات نشر: تهران، نشرچشمه، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۷۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱-۰۶۲۸-۹

وضعیت فهرستنوبیسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: شمس تبریزی، محمد بن علی، ۶۴۵۴-۹۵۸۲ق. مقالات... اقتباسها

موضوع: داستان‌های فارسی قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۲۳۷

رده‌بندی دیوبی: ۸۳/۶۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۲۰۵۲۰

ملک گرسنه
تقویم شمس تبریزی
نهال تجدد

ویراستار: هومن عباسپور
مدیر هنری: مجید عباسی
همکاران آماده سازی: ناهید شادیده، فاطمه پارسانی
ناظران توییل: محمد رضانیان، میثم باقری
لینوگرافی: هماگرافیک
چاپ: دالاهو
تیراز: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹، تهران
ناظرفنی چاپ: یوسف امیرکان
حق چاپ: شمار محفوظ و مخصوص نشر چشممه است.
هرگونه انتشار و انتاده از ناشر، مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

۹۷۸-۶۲۰-۰۱۰-۰۹۱۵

دفتر مرکزی نشر چشممه: تهران، کارگر شمایل، تقاطع بزرگراه شهدگان، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب فروشی نشر چشممه، کریم خان، خیابان کریم خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتاب فروش، شمشیری کورش: تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش طبقه پنجم، پلاک ۴۴۹۷۱۹۸۸ — کتاب فروشی نشر چشممه آرن: تهران، شهرک قدس (غرب) رز فرجزاده، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظ، نیش خیابان فخار مقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۰۰۸۴۰۰۰۷۷۱۳۲۰ — کتاب فروشی نشر چشممه بابل: بابل، خیابان شریعتی، رو به روی شیرینی سرای بابل. تلفن: ۰۰۱۱۰۰۰۷۷۱۰ — کتاب فروشی نشر چشممه کارگر: تهران، کارگر شمایل، تقاطع بزرگراه شهر، دیمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب فروشی نشر چشممه پریس: تهران، خیابان پاسدا، پلاک ۵، هشتاد و یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی دو. تلفن: ۰۰۹۰۰۱۲۵۸ — کتاب فروشی نشر چشممه دلشدگان: مهندسی بلوار وکیل آباد، بین وکیل آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت تیر و هشتاد و ۳۸۶. تلفن: ۰۰۵۱۰۸۶۷۸۵۸۷)

فهرست

۹	پشتی‌کفتار
۱۳	دیبا
۱۷	پیش از او
۶۵	با او
۱۴۱	پس از او
۶۳	منابع
۱۶۱	اشخاص
۱۶۷	واژه‌نامه

پیش‌گفتار

کلمات از بیان، چیز بیون‌اند و این را خوب می‌دانند. حتی اگر در سده‌های گوناگون، به زبان‌های گناهان، سیار کوشیده باشند. کلمات از دسترسی به سمه‌ی سرمه‌ها ناتوان‌اند. آن جا با درنگ گام بر می‌دارند. انگار می‌ترسند، می‌هرمند. این کتاب سرگذشت، یا بهتر بکویه درمان یکی از این کاوش‌های بیمناک است.

شمس تبریزی شخصیت شگفت‌انگیزی انسفاف و تیره در جست‌وجوی دوباره زاییدن، شکل دادن و ساختن پیر مرادی است که باید او را ترک، انکار و شاید فراموش کند. این مراد، این شیخ، این هنرمند، این شاعر تومند، شخص او نیست. می‌پنداشت شاید ابن عربی باشد که نبود (ابن عربی بدؤ نیازی نداشت). و سرانجام با مولانا برخورد کرد و از این واقعه هزاران بیت نوزاییده شد.

نهال تجدد، با تکیه بر مقالات شمس تبریزی، بر آن شده تا این واقعه را از دید خود شمس بیان کند. این دیدار نادری که، برون از مکان و زمان، برون

از عقل و منطق، برون از عاطفه و احساس، اجازه داد تا درویشی تندخواز واعظی مشهور یکی از بزرگ‌ترین شاعران و شاید بزرگ‌ترین شاعر جهان را پدید آورد.

اینجا به بالاترین درجه‌ی اسرار، (چگونه می‌توان به حقیقت پنهانی خود بی بده؟ آیا خداوند نیز آن را دیده و دریافته است؟) احساسات، خشم، تفاوتی و نفاق اطرافیان و نامیدی همیشگی دست می‌یابیم. زیرا شمس به خود داند زمان رهایی مولانا از بار شهرت، خویشان و شاگردان (که برخی از هنر و بوتان می‌آمدند)، زمان جدایی هم هست. زیرا لاست، پیری و مرادی دوری و فراق است. حتی اگر این بُریدن به تنها و رنج بیجامد، بدای شمس انجماید.

اکنون در دل تصویب مقال لرده‌ایم. نه این ایم و نه آن ایم، هم این ایم و هم آن ایم. حقیقت از آن این و آن است. حقیقت وجود دارد، چه بخواهیم، چه نخواهیم و هیچ شکنجه‌ای، هیچ خشونت آن را از بین نخواهد برد. هر معنایی برای حقیقت کوتاه و تنگ است، مذکور است. هیچ چیز نمی‌تواند گستردنگی ذهن را محدود کند. هیچ چیز نمی‌تواند شرسنگی ملانک را تسکین دهد.

شمس تبریزی این را درک می‌کرد. دنبال ذهنی روسن‌تر، براقت از او نباید رفت، یافت نمی‌شود. او همه‌چیز را می‌بیند، حتی محدودیت‌های شود را. و این روشن‌بینی با دردور نج همراه است، زیرا می‌داند مخلوق خود، ساخته و پرداخته‌ی خود را باید از دست دهد.

اغلب زیبایی بیان شده محکوم به کفر، خیانت، سحر می‌شود و طرد می‌گردد. خطر این زیبایی و مهجوی شاعر را از دنیا، چونان سهروردی‌ها و حلاج‌هایی که جان‌شان گرفته شد، لمس می‌کنیم و می‌پذیریم. اما شمس تبریز جانی را به خود آشکار کرد. پدیده‌ای نایاب.

نهال تجدد، در جایگاه یک زن، در این مسیر کام برمی‌دارد، طعامی را
می‌یابد که گرسنگی می‌آورد، که بلعیده می‌شود، که سیر نمی‌کند.
من این کتاب را سه بار خوانده‌ام، و هنوز نیاز به خواندنش دارم.

زان کلود کریر